- رساله اعتباریات
  - مقدمه (1)
  - مقاله اول: چگونگی ترتب امور اعتباری بر امور حقیقی
    - شانزده فصل
      - فصل اول: غرض این مقاله (2)
      - فصل دوم: حقیقت اعتبار و جهت نیاز به آن (3)
      - فصل سوم: بررسی منشاء و چگونگی رشد اعتبار و بررسی اولین اعتبار (4)
      - فصل چهارم: ریشه های اعتبارات در اجتماع (5)
      - فصل پنجم: لوازم اعتبارات (6)
      - فصل ششم: اصل بناء عقلا و عدم تغییر آن (7)
      - فصل هفتم: حسن و قبح
        - اگر بنای عقلا بر انجام فعلی باشد آن فعل حسن است و اگر بنا بر ترکش باشد آن فعل قبیح است پس حسن و قبح اعتباری است زیرا
          - اموری که اعتباری محضند به حسن و قبح متصف می شوند .۱ مثل خضوع و احترام و ... و واضح است که وصف امر اعتباری هم اعتباری است زیرا لازمه ارتباط حقیقی، وحدت حقیقی است
          - یعنی از فعال مثلا ظلمی را عده ای به دلیل ملائمت با ۲. طبعشان حسن و یعنی به دلیل عدم ملائمت قبیح می دانند پس حسن و قبح ثانی فعل نیست و الا نزد همه یکسان بود البته حسن و قبح وصف نفس نیست که مثل لذت و الم حقیقی باشد بلکه حسن و قبح وصف فعل است که ملائمت منتهی موجب می شود ضرورت اعتباری یا اولویت(یعنی هنوز به حد ضرورت اعتباری نرسیده است) پیدا کند نه ضرورت حقیقی
          - پس حسن فعل یعنی نسبت ضروری یا اولویت آن فعل به طبع و اعتلاف در حسن اعتلاف صفوری است یعنی در این است که کدام فعل برای کدام طبع این مسبب را دارد.
        - عقلا پس از اعتبار حسن و قبح برای فعل، این اعتبار را به غیر فعال هم سرایت دادند مثل حسن و قبح در دکانها و ترکیبات به این معنا که تناسب بین اجزاء با هم و اجزاء با کل را حسن و عدم تناسب را قبیح دانستند که در اینجا هم به دلیل تفاوت در عوائد و طبیعت ها اختلاف در حسن و قبح پدید آمده است هرچند در یعنی موارد همگی متفق بر حسن یا قبح چیزی شوند
          - و همچنین این حسن و قبح را به امور حقیقی هم سرایت دادند یعنی کمال و هرچه در مسیر کمال است را حسن و عدم کمال و موانع آن را قبیح دانستند
        - خلاصه
          - قبل از انجام هر فعلی اول حکم به حسن یا قبحش می شود و .۱ سپس انجام یا ترک می شود پس هر آنچه عقلا بر آن بنا می نهند حتما حسن است(یعنی حکم به حسنش داده اند)و هر آنچه بنا بر ترکش نهند حتما قبیح است(یعنی حکم به قبحش داده اند)
          - هر آنچه که متصف به اولویت فعل(یعنی آن بفعل) یا اولویت ۲. ترک(یا ینبغی آن بفعل) نشود، نه حسن است و نه قبیح
          - هیچ فعل ارادی نیست که از اذعان به حسن صادر نشده باشد و ۳. همچنین ترک ارادی از اذعان به قبح
          - با توجه به توضیحاتی که دادیم فهمیدیم که بین حسن و ۴. وجوب و همچنین بین قبح و عدم جواز ملازمه است که می توان نتیجه گرفت که هیچ فعل و ترک ارادی نیست که از این ۴ اذعان صادر نشده باشد!
            - هر حسنی واجب الفعل است .۱
            - هر قبیحی واجب الترک است .۲
            - هر واجب الفعلی حسن است .۳
            - هر واجب الترکی قبیح است .۴
            - اشکال خیلی وقت ها شخص اذعان به حسن و وجوب فعل می کند ولی انجامش نمی دهد
            - جواب: همینکه شخص برای فعلش عذری می آورد، دارد می گوید اذعان من به حسن فعل در جایی است که این عذرامعنائی که باعث شد فعل را ترک کنم(باشد) و الا با وجود این عذر ترک فعل واجب است
      - فصل هشتم: وجود و چگونگی تغییر در آنچه عقلا بر آن بنا می نهند (10)
      - اعتبارات اجتماعی (11)
        - فصل نهم: کلام (12)
        - فصل دهم: ملکیت و لوازم آن (13)
        - فصل یازدهم: ریاست و مرئوسیت لوازم این دو (14)
        - فصل دوازدهم: بعث و زجر (15)
        - فصل سیزدهم: اطاعت (16)
        - فصل چهاردهم: اعتبارات حال تساوی (17)
        - فصل پانزدهم: عمل عقلا به علم (18)
        - فصل شانزدهم: عمل عقلا در صورت نبودن علم (19)
  - مقاله دوم: چگونگی ترتب امور حقیقی بر امور اعتباری (20)
- اعتبارات فردی (21)
  - نتیجه (22)

ارتباط با استاد
۰۹۱۵۰۰۳۹۵۲۹
آموزش کانال در ایتا
@DARSHA